

## شور سیاسی مردم ژاپن

نگارش جمشید جمشیدی

### بیش کفتار

اگر فرض بر این باشد که قانون اساسی هر کشوری افسره خواستن ها و توانستن ها ی مستقیم اجتماعی، فرهنگی و فردی مردم آن کشور باشد طبیعتن استعداد تغییر و اصلاح آن نیز وجود دارد. تغییر قوانین یا با خواست مستقیم مردم و یا با خودکامش حکومت ها صورت میگیرد. قانون اساسی هر کشوری آینه بازتاب دهنده تکالیف و حقوق مردم آن کشورست. همزمان این قانون اساسی حدود اختیارات و مسئولیت های حکومت ها را نیز تعیین میکند. ولی همان قانون اساسی الزامن توجیح گر وضع واقعی اجتماعی و فرهنگی جامعه نخواهد بود. اصول قانون اساسی ممکنست با فرهنگ و یا سطح شعور مردم یک کشور خوانائی نداشته و حتا در تعارض باشد. سطح فرهنگ و شعور مردم یک کشور ممکنست از حدود قانون اساسی آن کشور فراتر و یا دون تر باشد. در صورتی که اصول قانون اساسی نارسانتر از سطح فرهنگ و شعور جامعه باشد خواه ناخواه در بین مردم صدای نارضایتی بگوش میرسد که خواهان ارتقای سطح قانون میشوند و اجبارن حکومت ها برای بقا و حفظ پیوستگی خود با مردم باید به اصلاح قوانین به نفع مردم تن در دهند. اما اگر سطح قانون اساسی فراتر از سطح فرهنگ جامعه و شعور فردی باشد باید چکار کرد؟ زمانی که رعایت تمام اصول حقوق بشر در قانون اساسی تضمین گردد و لی آگاهی و استفاده از این فرصت ها در بین مردم به حداقل کاهش می یابد چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا حکومت ها خود را مجاز خواهند دانست که سطح قانون اساسی را به سطح شهروندان خود کاهش دهند و از این معتبربه حرکات ارتقاء دست بیازند و یا خواهند کوشید آگاهی بر حقوق مندرج در قوانین را در شهروندان خود ارتقاء داده، آن ها را در استفاده کامل از قوانین تشویق کنند؟ در دنباله با مثال ژاپن این بحث را ادامه میدهیم.

در این مقاله کوشش میشود تا با کمک از آمار مربوط به نظرسنجی ها سطح شعور سیاسی ژاپنی ها در رابطه با حقوق شهروندی تضمین شده در قانون اساسی این کشور مرور گردد.

نظرسنجی مذبور توسط سازمان صدا و سیمای ژاپن ان اج ک<sup>۱</sup> (NHK) صورت گرفته است. سازمان صدا و سیمای ژاپن دارای یک "مرکز تحقیقات فرهنگی" است که هر پنج سال یکبار از ژاپنی ها در زمینه های گوناگون نظرسنجی بعمل می آورد. این مطالعات از سال 1973 آغاز شده و نتایج سی ساله آن تا سال 2003 اعلام گردیده است. سوالات در زمینه های "اهداف زندگانی"، "فرد ایده آل"، "مساله کار"، "دین"، "روابط زن و شوهر، اولیا و فرزندان"، "فعالیت های سیاسی"، "ناسیونالیسم" و مناسبات اقتصادی و غیره مطرح گردیده است. ما در دنباله به معرفی نتایج این نظرسنجی درمورد سطح شعور سیاسی ژاپنی ها می پردازیم.

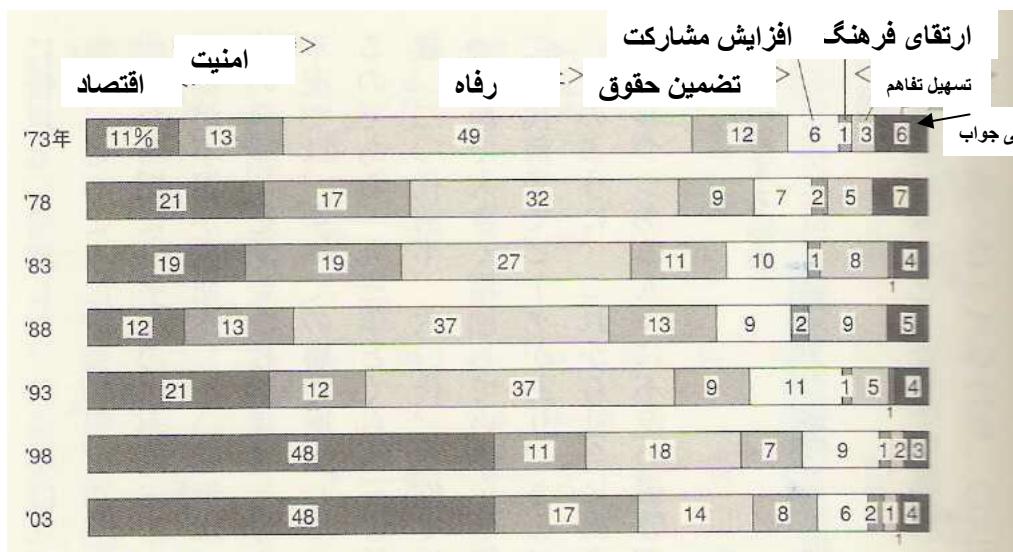
۱ این نظرسنجی از مردم، زن و مرد بالاتر از شانزده سال در سراسر ژاپن- Nippon Hoso kyoku(NHK) بصورت مصاحبه حضوری و در فاصله دو تا سه روز انجام گرفته است. تعداد شرکت کنندگان 5400 نفر که در 450 نقطه از کشور به احتساب هر نقطه 12 نفر میباشد. علاوه بر این نتایج دقیق این نتایج میتوانند به اصل کتاب که به زبان ژاپنی نگاشته شده است رجوع کنند:

現代日本人の意識構造「第六版」—NHK 放送文化研究所「編」、Nb 1019

## نتایج نظرسنجی

### خواسته مردم از سیاست

اولین سوال از مخاطب در مورد خواست او از سیاست است. به شکل 1 نگاه کنید. خواسته بهبود وضع اقتصادی در آمار سال 2003 چشمگیر است؛ از 11 درصد در سال 1973 به 48 درصد بالاترین سطح خود در سال 2003 افزایش داشته است. افزایش خواسته بهبود اقتصادی بازتاب کاهش رونق این حوزه و افزایش بیکاری 5.3 درصد در این برده زمانی نیز هست. در سال 2003 خواست ارتقای امنیت جامعه در مرتبه دوم با رقم 17 درصد و ارتقای امور رفاهی با رقم 14 درصد در مرتبه سوم از خواسته ها قرار دارد. به سیر نزولی چشمگیر خواسته های رفاهی از سال 1973 تا سال 2003 توجه کنید.



شکل 1 مبرمترین خواسته مردم از سیاست

آمار مکمل نشان داده است که خواسته بهبود وضع اقتصادی محدود به قشر خاصی نبوده است. تفکیک جنسی، طبقه بندی جمعیت شهری، سطح تحصیلات و نوع شغل در ابراز خواسته مشترک اقتصادی تفاوت نداشته اند.

### روش های موثر برای احقاق حقوق

سوال بعدی در رابطه با موثر پنداشتن روش های مرسوم برای تحقق خواسته های اقتصادی و امنیتی جامعه طرح شده است. این روش ها در سه نوع "ابراز عقیده" و نظردهی، "تظاهرات، شکواییه نویسی" و "شرکت موثر در انتخابات" طبقه بندی شده که آمار هر کدام جدأگانه بررسی میگردد.

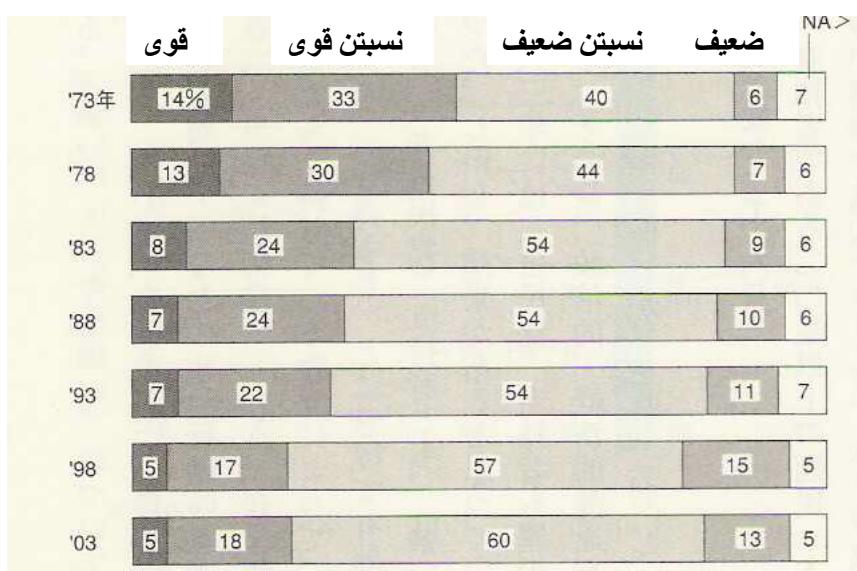
پاسخ ها به سوال تاثیر "ابراز عقیده" در چهار درجه تاثیر فوی(کامل موثر)، تاثیر نسبتی فوی(نا اندازه زیادی موثر)، تاثیر نسبتی ضعیف(اندکی موثر) و تاثیر ضعیف(کامل بی تاثیر) طبقه

بندی شده اند. نتیجه در شکل 2 نشان داده شده است.

همان گونه که در شکل مشاهده میکنید در سال 2003 جمун تنها 10 درصد از پاسخ دهنگان تاثیر "ابراز عقیده" را قوی و نسبتن قوی دانسته اند. در مقابل 86 درصد پاسخ دهنگان تاثیر این روش را ضعیف و نسبتن ضعیف پنداشته اند. ارقام سی ساله را هم که مرور کنیم بالاترین رقم تاثیر پذیری قوی و نسبتن قوی روش "ابراز عقیده" در سال 1973 تنها 22 درصد بوده است. پاسخ دهنگان جوانتر و با سطح بالاتر تحصیلی تاثیر روش "ابراز عقیده" را بیشتر از اشاره دیگر ضعیف ذکر کرده اند.



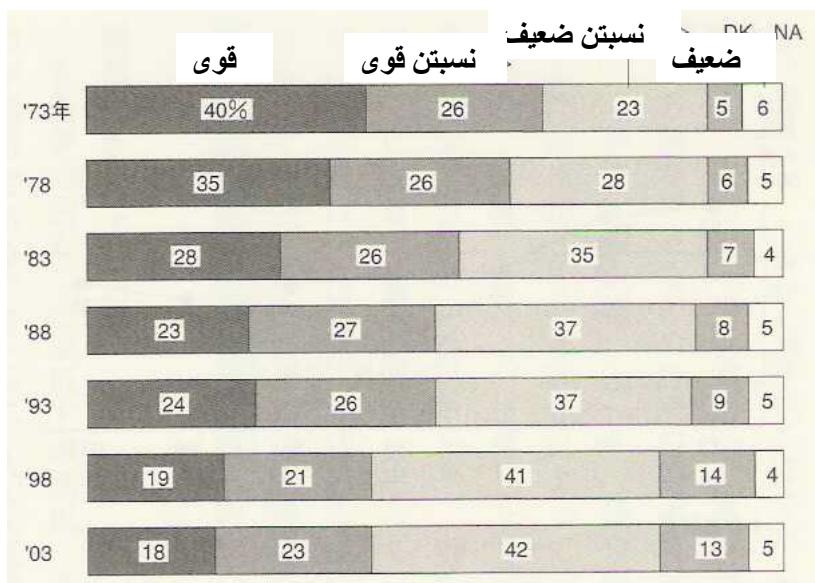
شکل 2 تاثیر روش "ابراز عقیده"



شکل 3 تاثیر روش "تظاهرات، شکوانیه نویسی"

اجازه بدھید ببنیم پاسخ دهنگان تاثیر دو روش "تظاهرات، شکوائيه نويسي" و "شرکت در انتخابات" را چگونه ارزیابی ميکنند. ابتداء به شکل 3 نگاه کنيد.

شکل 3 نتایج پاسخ به سوال تاثیرپذیری روش "تظاهرات، شکوائيه نويسي" را در مطالبه خواست ها جمعبندی کرده است. تاثیر قوى و نسبتن قوى روش "تظاهرات، شکوائيه نويسي" با گذشت زمان کاهش یافته است. در سال 2003 جمун 23 درصد از پاسخ دهنگان تاثیر اين روش را قوى و نسبتن قوى دانسته اند. در مقابل 73 درصد تاثير اين روش را نسبتن ضعيف و ضعيف دانسته اند. جالب است که متذکر شويم آمار نظر سنجي سى ساله نشان داده است که احساس تاثیرپذيری روش "تظاهرات، شکوائيه نويسي" در بين حاميان حزب حاكم ليبرال دمكرات بيشرتر بوده و کاهش تدریجي آن در طول اين زمان در بين حاميان احزاب ديگر و افشار مستقل که به هیچ يك از احزاب وابستگي نداشته اند سريعاً صورت گرفته است. و اما تاثير "شرکت در انتخابات" چگونه ارزیابی شده است. به شکل 4 نگاه کنيد.

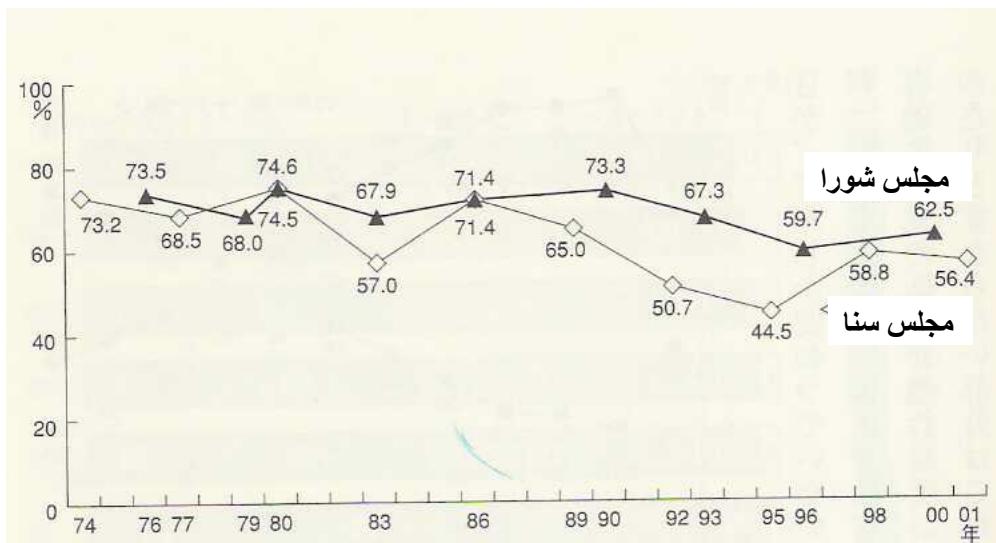


شکل 4 تاثير روش "شرکت در انتخابات"

تاثير روش "شرکت در انتخابات" در تحقق خواسته هاي پاسخ دهنگان نيز غالبيت ندارد. با وجود اين که احساس تاثيرپذيری "شرکت در انتخابات" از دو روش قبلی موثرتر بيان شده است در طول اين سى سال تاثير اين روش سير نزولي طی کرده است. در سال 1973 بيش از نيمى از جمعيت يعني 66 درصد به اين روش توسل جسته اند ولی اين تمайл هر ساله کاهش داشته تا در سال 2003 تاثير قوى و نسبتن قوى اين روش جمун به 41 درصد کاهش پيدا کرده است. در مقابل تاثير ضعيف و نسبتن ضعيف اين روش به 55 درصد در سال 2003 افزایش پيدا کرده است. در مقابل دو روش "ابراز عقиде" و "تظاهرات، شکوائيه نويسي" شركت مستقيم در انتخابات و بعارتى واگزار کردن احراق حقوق مندرج در قوانين به نمايندگان خود يك روش منفعانه به حساب مى آيد. گو اين که ژاپنی ها از میان اين سه روش تمайл بيشرتری به اتخاذ روش "شرکت در انتخابات" دارند با اين حال درصد اين تمайл در بين مردم اين کشور هنوز

چشمگیر نیست.

در این رابطه بد نیست وضعیت شرکت مردم را در انتخابات مجلس شورا و سنای ژاپن مرور کنیم. به شکل ۵ نگاه کنید. اگر چه نوسان چشمگیری در درصد شرکت کنندگان در انتخابات مشاهده نمیشود ولی آمار از کاهش جمعیت شرکت کننده در سال ۲۰۰۳ نسبت به سال ۱۹۷۳ حکایت میکند که بازتاب بی میلی تدریجی به شرکت در این فعالیت سیاسی است.



شکل ۵ سیر نوسان درصد شرکت کنندگان در دو مجلس شورا و سنا

تأثیر بخشی سه روش ذکر شده جمعبن یکجا بررسی شده است. با اختصاص دادن امتیاز به درجه تأثیر بخشی یک مطالعه کمیتی انجام شده است. به این ترتیب که:

- تأثیر قوی ..... 3 امتیاز
- تأثیر نسبتن قوی ..... 2 امتیاز
- تأثیر نسبتن ضعیف ..... 1 امتیاز
- تأثیر ضعیف ..... 0 امتیاز

دامنه جمع نمرات از ۰ تا ۹ می باشد. جمع نمرات ۰ تا ۳ تأثیر نسبتن ضعیف و ضعیف است. شکل ۶ نتیجه این بررسی را نشان میدهد. جمع نمرات هر چه بزرگتر باشد تأثیرگزاری بیشتر را حکایت میکند. در مقابل هر چه جمع نمرات کوچکتر باشد علامت ضعیف بودن احساس تأثیرگزاری روش های احراق حقوق میباشد. جمع نمرات بین ۰ تا ۳ که شاخص تأثیر نسبتن ضعیف و ضعیف است در سال ۲۰۰۳ نسبت به سال ۱۹۷۳ که ۳۳ درصد بوده است به بیش از نیمی از جمعیت، یعنی به ۵۹ درصد افزایش یافته است.

در مطالعه آماری دیگری روش نشده است که کاهش میانگین نمرات با جوانتر شدن نسل پاسخ دهندهان پیوستگی نشان داده است.



شکل 6 میزان تاثیرگزاری سه روش احراق حقوق در جمع

### سطح آگاهی پاسخ دهنگان در زمینه حقوق شهروندی

در بررسی های بعدی علل احتمالی انفعال پاسخ دهنگان در توسل به اتخاذ روش های سه گانه برای احراق حقوق خود معرفی میگردد. سوال اینست که آیا پاسخ دهنگان با آگاهی کامل از حقوق مندرج در قانون اساسی و با اراده مستقل به این انفعال گرائیده اند و یا عدم آگاهی به این حقوق سبب انفعال آن ها شده است. به عبارتی سطح آگاهی پاسخ دهنگان از قانون اساسی به امتحان گذاشته شده است.

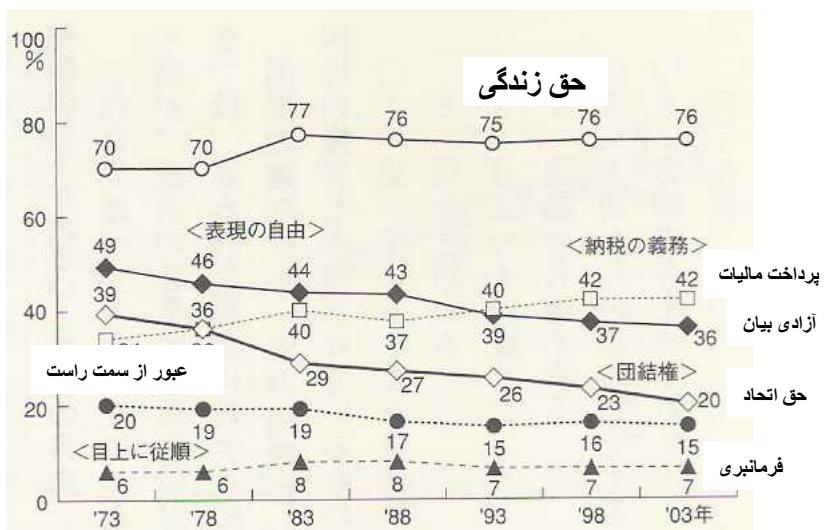
پاسخ دهنده از بین گزینه های زیر هر تعداد را که بر آن ها آگاهی دارند بر میگزینند.

- 1- آزادی در بیان آن چه را که فکر میکنید....."آزادی بیان"
- 2- پرداخت مالیات....."وظیفه پرداخت مالیات"
- 3- تبعیت از مقام بالاتر....."فرمانبری"
- 4- عبور عابر پیاده از دست راست پیاده رو....."عبور از دست راست"
- 5- زندگی انسانی سالم کردن....."حق زندگی"
- 6- حق تشکیل اتحادیه های صنفی و سندیکا....."حق اتحاد"

شکل 7 نتیجه این بررسی را نشان میدهد.

"حق زندگی" همواره در راس حقوق با درصد بالائی از سال 1973 تا 2003 چشمگیر است. تأکید جمعیت مورد مطالعه بر ب Roxورداری از زندگی انسانی مناسب خواسته برقی است که مورد توجه اکثریت مردم قرار گرفته است. 76 درصد شهروندان در سال 2003 "حق

زندگی" را از حقوق محرز خود دانسته اند.



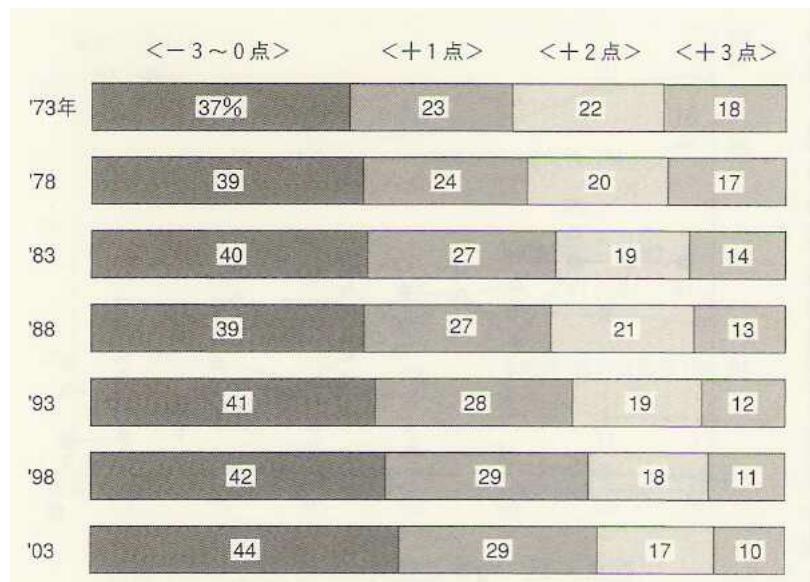
شکل 7 تغییرات گزینش پاسخ دهنگان به شش گزینه طرح شده

اما حقوقی از جمله "آزادی بیان" (36 درصد در سال 2003) چشمگیر نبوده و پیوسته از سال 1973 سیر نزولی طی کرده است. جالب توجه است که تکالیفی از جمله "پرداخت مالیات" (42 درصد در سال 2003) و "عبور از سمت راست" (15 درصد در سال 2003) و یا "فرمانبری" (7 درصد در سال 2003) که اصولن نه فقط در مقوله حقوق نمی گنجد بلکه تکالیف متعین نیز نیستند، ولی چون به عنوان حقوق تعییر شده اند سیر صعودی داشته اند ("عبور از سمت راست" اندکی کاهش داشته است). از میان این شش گزینه تنها سه گزینه (1، 5، 6) از مصادیق حقوق شهروندان هستند.

در بررسی سطح آگاهی جمعیت مورد مطالعه در زمینه حقوق شهروندان که در قانون اساسی تضمین شده اند یک مطالعه عددی نیز صورت گرفته است. به این ترتیب که به هر پاسخ صحیح یک امتیاز مثبت و در مقابل به پاسخ اشتباه یک امتیاز منفی داده شده است. نتیجه این مطالعه در شکل 8 ارائه گردیده است. تعداد پاسخ صحیح در بین شش گزینه طرح شده تنها 3 (6,5,1) است.

جواب صحیح به هر سه اصل "حقوق" (+3) در سال 2003 تنها 10 درصد است و این رقم در مقایسه با سال 1973، 8 درصد کاهش پیدا کرده است. عدم آگاهی بر تمام این سه اصل حقوقی (0~3~-3) در سال 2003 برابر با 44 درصد، که در مقایسه با سال 1973، 7 درصد افزایش داشته است.

آمار آگاهی بر حقوق در رابطه با مولفه سن، نشان داده است که با افزایش سن، سطح آگاهی مردم کاهش داشته است. به عبارتی جوانترها آگاهی بیشتری به حقوق مصروفه داشته اند.



شکل 8 سطح آگاهی مردم از حقوق مندرج در قانون اساسی

رابطه سطح آگاهی بر حقوق شهروندی و مبارزه برای احقيقاً این حقوق  
حال باید دید که انفعال پاسخ دهنده‌گان در اتخاذ روش‌های مبارزه برای احقيقاً حقوق با سطح  
آگاهی آن‌ها بر اصول قانون اساسی که حقوق شهروندی را تضمین می‌کند ارتباط دارد یا نه.  
رابطه نتیجه احساس تاثیر بخشی سه روش(شکل 5 "ابراز عقیده"، "تظاهرات و شکوئیه  
نویسی"، شرکت در انتخابات") برای احقيقاً حقوق و سطح آگاهی بر حقوق تضمین شده  
(آگاهی بالا و آگاهی نازل) در قانون اساسی را بررسی می‌کنیم.

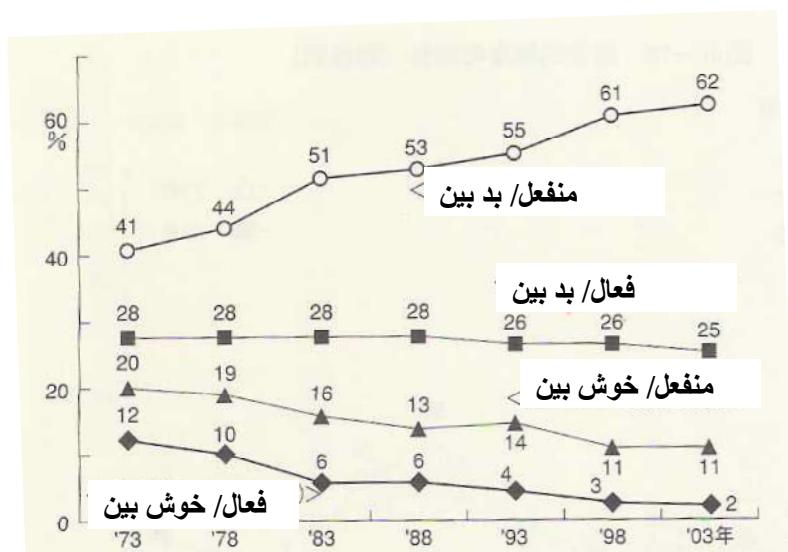
تاثیربخشی روشهای قوى.....6 امتیاز و یا بیش تر(خوش بین)،  
ضعیف.....5 امتیاز و یا کم تر(بد بین)

سطح آگاهی: بالا.....2 امتیاز یا بیشتر(فعال)،  
نازل.....3~+1 امتیاز(منفعل)

با ترکیب این متغیرات میتوانیم به چهار گروه شعور سیاسی به ترتیب زیر دسترسی داشته باشیم:

- 1- آگاهی نازل- تاثیر ضعیف.....منفعل/ بد بین
- 2- آگاهی بالا- تاثیر ضعیف.....فعال/ بد بین
- 3- آگاهی نازل- تاثیر قوى.....منفعل/ خوش بین
- 4- آگاهی بالا- تاثیر قوى.....فعال/ خوش بین

نتیجه این بررسی در شکل 9 ارائه شده است.



شکل 9 سیر نوسان چهار گروه شعور سیاسی از سال 1973 تا 2003

گروه فعال/خوش بین از 12 درصد در سال 1973 به 2 درصد در سال 2003 کاهش پیدا کرده است. بی‌شک این گروه برای احراق حقوق تضمین شده خود فعالانه به مبارزه بر می‌خizد.

گروه منفعت/خوش بین از 20 درصد در سال 1973 به 11 درصد در سال 2003 کاهش پیدا کرده است.

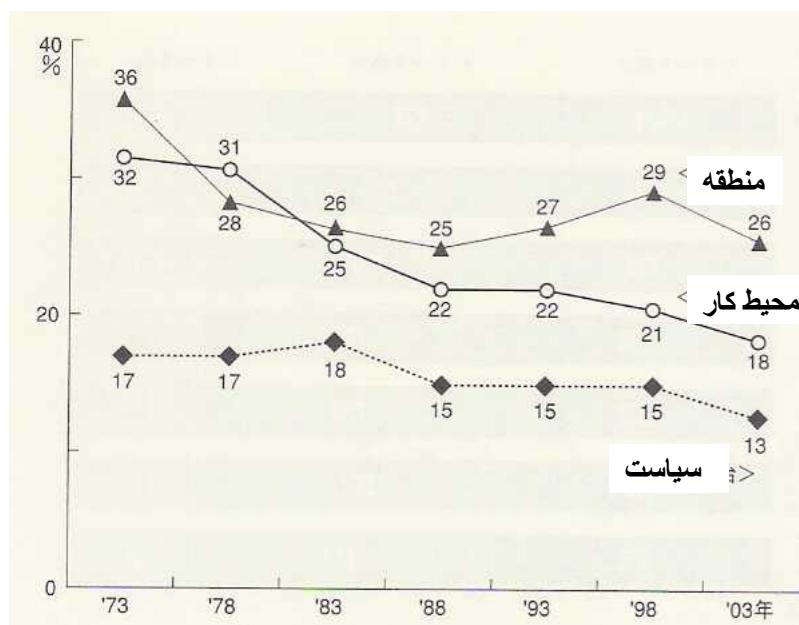
گروه فعال/بد بین از 28 درصد در سال 1973 به 25 درصد در سال 2003 اندکی کاهش نشان داده است.

گروه منفعت/بد بین از 41 درصد در سال 1973 به 62 درصد در سال 2003 افزایش چشمگیر کرده است. کاهش سه گروه دیگر باعث افزایش این گروه گردیده است. سیر نوسان این گروه در رابطه با پیشه‌ی پاسخ‌دهندگان نیز در آمار جدگانه‌ای بررسی شد. آمار اخیر روشن نمود درصد گروه منفعت/بد بین در تمام انواع پیشه‌ها بدون استثناء در سال 2003 نسبت به سال 1973 افزایش داشته است.

از نتایج این بررسی‌ها آشکار شد که پی‌آیند سطح نازل آگاهی بر حقوق تضمین شده در قوانین هماناً بی‌تأثیر دانستن (بد بین بودن به) روش‌های مبارزه برای احراق حقوق شهروندی است.

### مبارزات تشکیلاتی برای احراق حقوق

در قانون اساسی ژاپن حق تشکیل انجمن، اتحادیه و سندیکا در راستای احراق حقوق صنفی و شهروندی بطور کامل تضمین شده است. آماری که در دنباله می‌آید نظر پاسخ‌دهندگان را از نقطه نظر تمايل به مبارزات متشكل و سازمان یافته در راستای حل مسائل خود بررسی کرده است. شکل 10 سیر نوسان مبارزات متشكل پاسخ‌دهندگان را در سه حوزه سیاست، محیط کار و منطقه محل سکونت نشان میدهد.



شکل 10 سیر تمايل به مبارزات تشکيلاتي در سه حوزه سياسي، محيط کار و منطقه

مبارزات سازمان يافته برای حل مسائل گوناگون زندگانی در هر سه حوزه سیاسی، محیط کار منطقه ای در سال 2003 نسبت به سال 1973 کاهش نشان داده است. مبارزات تشکیلاتی در حوزه محیط کار از 32 درصد در سال 1973 به 18 درصد در سال 2003 کاهش یافته است که این کاهش چشمگیر از انفعال قشر کارگر و کارمند در دسترسی به خواسته های صنفی خود حکایت میکند. فعالیت های سیاسی از 17 درصد در سال 1973 به 13 درصد در سال 2003 کاهش اندکی یافته است که این کاهش لزوم حکایت از یک رویگردانی و بی اعتنایی به این نوع مبارزات نیست. در حوزه منطقه ای با وجود کاهش آن از 36 درصد در سال 1973 به 26 درصد در سال 2003، بازگشت های چندی به این نوع مبارزه در طول این سی سال به چشم می خورد. پژوهشگران تمايل پاسخ دهنگان را به شرکت در انجمن های محلی و حل مسائل منطقه ای را بیشتر از گرایش آن ها در حوزه سیاسی و محیط کار ارزیابی میکنند.

آماری که در باب تمايل پاسخ دهنگان به مبارزه در سه حوزه سیاسی، محیط کار و منطقه ارائه شد یک ارزیابی کلی کمیتی بود، حال جای دارد بنیم این مبارزات از چه نوع کیفیتی برخوردار بوده است. ارزیابی کیفی این مبارزات نیز صورت گرفته است.

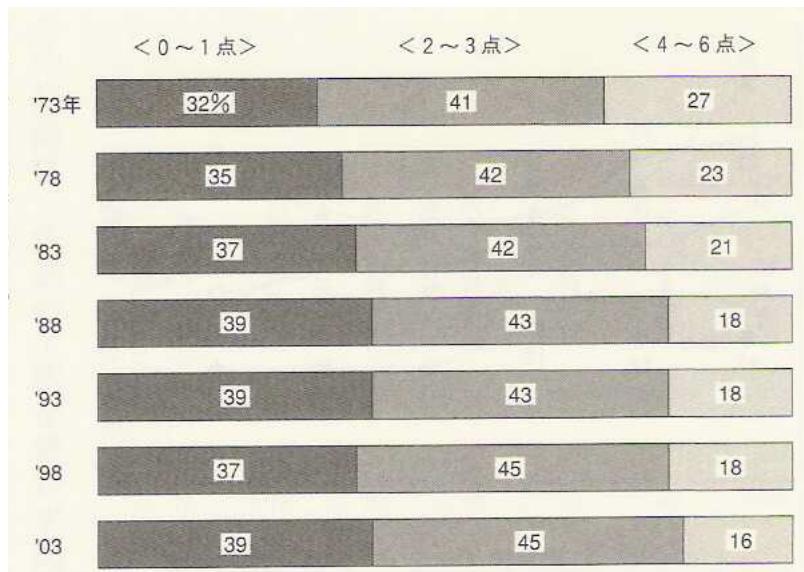
نوع مبارزات با معنای مشترک در سه حوزه:

شکیبایی= بدون سروصدا و اعتراضات شدید به انتظار حل مسائل نشستن،.....1 امتیاز

واکزاری= به شخصیت های قدرتمند و با نفوذ تکیه کردن،.....2 امتیازه

فعالانه= مستقیم با ایجاد انجمن، تشکیلات و اتحادیه به تحقق خواسته های خود رسیدن.....3 امتیاز

دامنه امتیازات جمун در سه حوزه از 0 تا 6 امتیاز نوسان میکند. 6 امتیاز مبارزه فعالانه در هر سه حوزه را معنا میدهد. 0 تا 1 امتیاز به معنای مبارزه شکیباتی است و 2 تا 3 امتیاز حد متوسط مبارزات و یا نوع واگزاری را حکایت میکند. شکل 11 نتیجه مطالعه آماری را از سال 1973 تا 2003 را نشان میدهد.

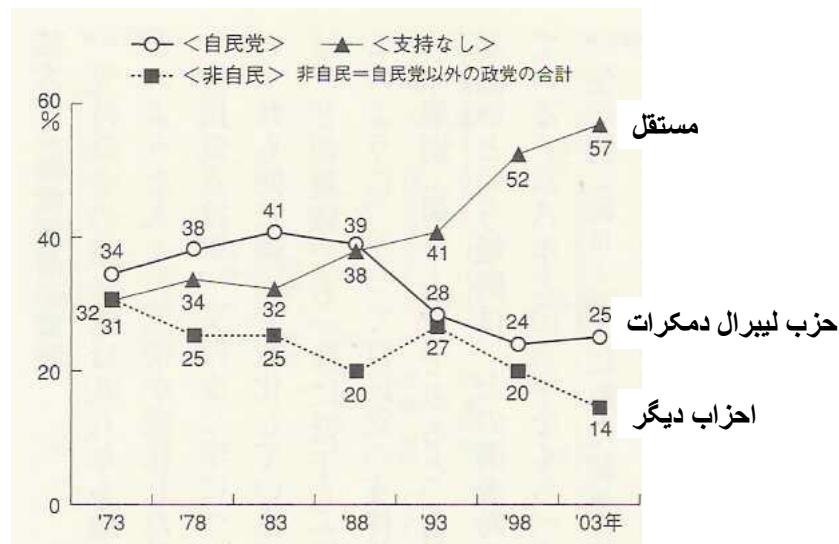


شکل 11 سیر تغییر درصد مبارزات تشکیلاتی

آن چه از این شکل مشهود است کاهش چشمگیر نوع مبارزات فعالانه است. این مبارزات از 27 درصد در سال 1973 به 16 درصد در سال 2003 کاهش یافته است. در مقابل مبارزات از نوع شکیباتی از 32 درصد به 39 درصد و حد متوسط(یا واگزاری) از 41 درصد به 45 درصد افزایش نشان داده است. رویگردنی از مبارزات فعالانه و تمایل به واکنش های منفعلانه و محافظه کارانه سمت گیری اغلب پاسخ دهنگان بوده است.

### حمایت از احزاب

یکی از روش های مبارزه برای احراق حقوق حمایت از احزاب و سیاست های آن هاست. فعالیت آزاد تمام احزاب راستی و چپی در قانون اساسی ژاپن تضمین شده است. وضعیت پیروان و حامیان احزاب نه فقط شاخص مکملی برای اثبات چگونگی گرایشات سیاسی مردم است، صداقت فعالیت ها و سیاست های راهگشای احزاب و بالاخره مقبولیت آن ها را هم مشخص میکند. شکل 12 سیر نوسان درصد حامیان احزاب و حجم قشر مستقل بدون وابستگی به هیچ یک از احزاب را نشان میدهد.



شکل 12 سیر مقبولیت احزاب و قشر مستقل

آن چه که مخصوصن در این شکل نظر را جلب میکند افزایش چشمگیر درصد قشر مستقل است. حجم قشر مستقل از 32 درصد در سال 1973 به 57 درصد در سال 2003 افزایش یافته است. حامیان حکوم حاکم لیبرال دمکرات از 34 درصد به 25 درصد و حامیان احزاب دیگر<sup>2</sup> از 31 درصد به 14 درصد سقوط کرده اند. برای اطلاع و مراجعه خواننده مشتاق در جدول زیر درصد حامیان احزاب معروف را در کل جمعیت ژاپن در سال 2003 معرفی میکنم.

نام حزب	جمعیت حامی(درصد)
لیبرال دمکرات-	25.0
دمکرات-	4.9
کومیتو-(Clean Government party)	3.7
لیبرال-	1.4
کمونیست-	1.3
سوسیال دمکرات-	1.8
مستقل- بدون حزب-	56.9

<sup>2</sup> احزاب بسیار دیگر غیر از حکوم حاکم لیبرال دمکرات در ژاپن فعالیت میکنند. میتوان از احزابی از جمله حزب دمکرات، حزب کومیتو، حزب لیبرال، حزب کمونیست، حزب سووسیالیست(یا سووسیال دمکرات)، حزب محافظه کاران وغیره نام برد.

## پس گفتار

آمار نظر سنجی شعور سیاسی مردم ژاپن که در صفحات پیشین معرفی گردید به روشنی نشان داد که یک خمودگی و انفعال گسترده ای در بین مردم این کشور شایع است، که مانع دسترسی آن ها به حقوق شهروندی تضمین شده در قانون اساسی این کشورشده است. بیهوده دانستن و بدین بودن به روش های مرسوم مبارزه، عدم و یا کمبود آگاهی بر موارد حقوق شهروندی که در قوانین تصریح شده است، و انفعال در خیزش های جمعی از جمله انجمن ها، اتحادیه ها و سندیکا نشانه های بارز این خمودگی بودند.

در سال 2007 تعداد 33093 نفر در ژاپن دست به خودکشی زده اند که مسائل اقتصادی در مرتبه دوم، 25 درصد انگیزه خودکشی را بعد از بیماری تشکیل میدهد. انفعال در پی گیری خواسته های برقی یا به تحمل فقر و در نهایت به افسردگی و بالاخره خودکشی می انجامد و یا به گستاخی و تجاوزات غیر قانونی به حقوق دیگران.

الخمودگی ژاپنی ها در احراق حقوق بر حق خود نشانه عقب ماندگی آن ها از سطح پیشرفتی قانون اساسی این کشور نیز تعبیر میگردد. بی شک تامل در زمینه جستجوی علل این عقب ماندگی از اهمیت بسیار برخوردار است. بحث در باب علل این عقب ماندگی و یا شکاف گسترده بین خواسته های شهروندان و تضمین های قانون اساسی خارج از توانایی تخصصی نگارنده است ولی برای گشایش این بحث توجه به چند نکته از اهمیت برخوردار است.

یکی از این نکات فرآیند تدوین قانون اساسی ژاپن است که شایسته توجه بسیار است. قانون اساسی ژاپن در سال 1946 پس از شکست ژاپن در جنگ با آمریکا بوسیله متخصصین آمریکائی تدوین شد. این قانون در جهت کنترل کامل میلیتاریسم ژاپن و به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت مردم توسط خودشان با در جه بسیار بالائی دمکراتیک طرح ریزی شد، ولی خود مردم ژاپن به لحاظ نظری و عملی در تنظیم آن نقش قاطعی بازی نکرده اند. اگر اغراق نکرده باشم قانون اساسی ژاپن یکی از نادر قوانین صلح آمیز و پیشرفتی جهان است. اصل 9 آن که ژاپن را از داشتن ارتش تهاجمی منع میکند نماد صلح آمیز بودن آنست. در لوای این قانون اساسی توسعه اقتصادی ژاپن به گونه ای بی نظیر ممکن گردید ولی در زمینه ارتقای شعور فردی و جمعی شهروندان هیچ موقع طرح های چشمگیری پیاده نگردید. شالوده های فنی-صنعتی باقیمانده از نظام قبل که توسعه اقتصادی و دسترسی به رشد منحصر بفرد آن را تسهیل میکرد در مرکز فعالیت ها و توجهات پس از جنگ قرار گرفت.

نظام آموزشی ژاپن در مدارس پس از جنگ نیز مورد انتقاد صاحب نظرانست. منتقدان مخصوصاً به عدم اجرای آموزش های حیاتی در زمینه ادب، اخلاق و معنویات و نارسانی در اطلاع رسانی لازم در مورد حقوق فردی و اجتماعی، داخلی و بین المللی اشاره میکنند.

ایجاد جو مصرف گرائی، مادی گرائی و پرورش و رشد تمایلات زود گذر التذاذ اهم گرایشات مردم را شکل میدهد که طبیعتن پی آیند برخورد سطحی و ظاهری به مسائل است. در چنین جوی ارتقا و تحول سطح شعور فردی و اجتماعی امری سخت حاصل و یا غیر ممکن میگردد. در مقابل در چنین جوی تغییر و یا اصلاحات قانون اساسی در جهت خواسته های حکومت امکان پذیرتر خواهد بود. هم اکنون زمزمه هائی در جهت اصلاح اصل 9 این قانون بگوش میرسد.